

نگاهی به پوستر «دختران پیروزی» اثر ادوارد پنفیلد

آرزو بایوردی^۱

فورست برانش^۱، هنرمند امپرسیونیست فراگرفت. در آوریل ۱۸۹۰، در بیست و چهار سالگی، توسط نشریه هارپر^۲ به عنوان ویراستار هنری استخدام شد و به مدت ده سال، به عنوان مدیر هنری، مدیر، سردبیر و هنرمند، در خدمت این انتشارات بود تا این که در سال ۱۹۰۱ بازنشسته شد تا تمام وقت خود را به تصویرگری اختصاص دهد. طی مدتی که در هارپر کار کرده بود و توسط روابطی که داشت، بلافاصله شروع به تصویرگری برای Saturday Evening Post و Collier's, Scribner's, Outing کرد. او در سال ۱۹۲۵ از دنیا رفت.

ادوارد پنفیلد در دوم ژوئن ۱۸۶۶، در بروکلین نیویورک متولد شد. تحصیلات ابتدایی اش را در بروکلین گذراند. هنگامی که بزرگ شد، تصمیم گرفت قدم‌های عمویش برای هنرمند شدن را دنبال کند. در دهه دوم زندگی اش، در لیگ هنر دانشجویان در نیویورک سیتی ثبت نام کرد. جایی که اولین بار، او با بسیاری از هنرمندان مشتاق ملاقات کرد. در اواخر سال ۱۸۸۹، در یک کلاس خصوصی شرکت کرد که تعدادی از مطالعات خطی و جوهری او باقی مانده‌اند. او همچنین، سال بعد، نقاشی را نزد جورج دو

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تصویرسازی، دانشگاه تهران. پست الکترونیک: arezu.bayburdi@gmail.com

از لحاظ زمانی، هنر پنفیلد در دسته‌بندی هنر نوگرا یا هنر مدرن قرار می‌گیرد که از ۱۸۶۰ گسترش یافت. لیکن، پوستر دختران پیروزی (تصویر ۱)، از لحاظ شیوه کاری، ذیل سبک خاصی طبقه‌بندی نمی‌گردد، اما باید توجه کرد پنفیلد در آثار خود، هم از افراد تأثیر گرفته است، هم از آثار و هم تحت تأثیر مکتب و سبک عصر خود یعنی آرنوو^۳ بوده است. او از افرادی نظیر ژول شره^۴، هنری دو تولوز لوترک^۵، ویل بردلی^۶ (که هم عصر و هم میهن وی بود) و هم‌چنین از چاپ‌های ژاپنی تأثیر پذیرفت.

چیزی که در پوستر تصویر شده، دختر آزاد و مختاری است که لباس ملوانی پوشیده و در حال راندن یک قایق پارویی از میان دریای موج و سخت است. دختر، دارای ویژگی بدنی قوی و مردانه است. او دو پارو در دست دارد که فرم این پاروها به صورت دو خط از دو جانب، چشم ما را به طرف صورت دختر هدایت می‌کند که دقیقاً زیر کلمه پیروزی قرار گرفته است. در چهره دختر، از لطافت و دلربایی زنانه اثری نیست. نگاه او معطوف به سمت راست و کمی متمایل به عقب تصویر است؛ در واقع، جایی خارج از کادر و ورای امواج دریا. این موضوع می‌تواند منتقل‌کننده این حس باشد که این دختر، آینده‌نگر است و برای آینده کشورش، زنان و یا حتی جهان پارو می‌زند. او این دو پارو را محکم در دست گرفته که می‌تواند نشان‌دهنده عزم و انگیزه دختر برای راندن قایق پیروزی باشد.

حرکت لباس و تار موهای او در باد، با حرکت

موج‌ها ریتم خوشایندی یافته و همخوانی پیدا کرده است. هم‌چنین بافت موهای دختر با امواج هماهنگی دارد و گویا از جنس همان سرسختی و خشنی است.

در کل پوستر، از کنتراست بین دو رنگ مکمل استفاده شده است؛ آبی و نارنجی. همان‌طور که می‌دانیم، نارنجی روحیه‌ای جوانانه و شورشی دارد. پنفیلد، کلمه پیروزی را نارنجی رنگ کرده است، زیرا که احتمالاً از دید او، پیروزی، وابسته به کار جوانان بوده است. رنگ نارنجی، به صورت خفیف در دسته پاروها نیز پخش شده است. خطوط کناره‌نما و فضای مثبت و منفی نیز، عناصر بصری مهم دیگر در تجزیه فرمی این پوستر هستند. در نهایت، گرچه این دختر تنها به نظر می‌رسد، اما به عنوان سمبل زنی نیرومند که ورای سختی‌ها، چشم‌اندازی از پیروزی‌ها مشاهده می‌کند، تصویر شده است.

از ویژگی‌های تصویرسازی پنفیلد، ساده‌سازی در فرم است. این را در جمله او می‌توان دریافت که گفته است: «طراحی تصویری که به مطالعه نیاز داشته باشد پوستر نیست، هرچند که خیلی عالی اجرا شده باشد».

می‌توان ردپای شباهت این تصویر و پوستر را در آثار قبلی جستجو کرد. در پوستری با عنوان «تاتوان!»^۷ اثر دانکن گران^۸ که در سال ۱۹۰۹ طراحی شده نیز با تصویر دختری روبه‌رو هستیم که در حال پارو زدن و راندن قایقی است که در طرف دیگر آن، مردی سوار بر قایقی مجهزتر و با نگاهی تمسخرآمیز، در حال گذر است. این پوستر، برای جنبش کسب حق رأی زنان، طراحی شده



شکل ۲: دانکن گرنٹ، ناتوان، ۱۹۰۹، لیتوگرافی رنگی، ۵۰*۷۶، بخش پرینت‌ها و عکس‌های کتابخانه کنگره، واشنگتن دی سی. (<https://www.loc.gov/item/97518871/>)



شکل ۱: ادوارد پنفیلد، دختران پیروزی، ۱۹۱۸، لیتوگرافی رنگی، ۷۰*۵۶، موزه متروپولیتن. (<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/744366>)

است.

پوستر «دختران پیروزی»، برای جنگ جهانی اول، به سفارش دولت ایالات متحده، طراحی شده و به طور خاص، موضوع آن، تشویق زنان برای پیوستن به ارتش و جذب نیروی جنگ است. پنفیلد، ۴ پوستر با موضوع جنگ جهانی طراحی کرده است که در آنها نیز حضور زنان به چشم می‌خورد.

در خلال سال‌های جنگ جهانی اول، زنان مجبور به پر کردن جای مردان در مشاغل همچون کارخانه‌ها، مزارع و مشاغل مرتبط با کشتی‌سازی و... شدند. جنبش‌ها و کمپین‌هایی برای حمایت از حقوق زنان در همین سال‌ها شکل گرفت و زنان، برخوردار از آزادی‌هایی شدند که تا قبل از

آن، جامعه پذیرای آن نبود.

این اثر و آثاری شبیه به این، برای تغییر فضای جامعه آن زمان و سوق دادن زنان به سوی کارهای خارج از منزل، در راستای اهداف جنگی، خلق شدند. این اثر، به نوعی یک پوستر تبلیغاتی و به اصطلاح پروپاگاندا^۱ محسوب می‌شود.

پوسترهای لیتوگرافیک، مهم‌ترین شکل تبلیغات بصری طی سال‌های جنگ جهانی اول و تا پیش از جانشینی سینما و تلویزیون بودند. این پوسترها، تکنیک‌های مشابه و مشترکی را برای تحریک روانی و بصری به کار گرفتند که در آنها، عرق ملی و دفاع از میهن، نمایش داده می‌شد. برخی از این پوسترها، برای هدف سربازگیری و یا ترغیب مردان (و حتی بعدتر زنان)، برای پیوستن

به جنگ طراحی شدند. شعار این پوسترها به گونه‌ای بود که حس مسئولیت و میهن‌پرستی و در مواقعی، احساس گناه و عذاب وجدان را در فرد برانگیزاند (برای مثال، پوستر پدر، تو در این جنگ بزرگ چه می‌کردی؟^{۱۰}). برخی دیگر، روی زنان متمرکز بودند و تصاویری از زنان در حال بدرقه کردن مردان در حالی که صورت‌هایی نگران دارند، ترسیم شده‌اند. برخی، مستقیماً به مخاطب اشاره می‌کنند. در این پوسترها، حس قهرمان بودن در شخص بیدار می‌شود. پوستر «من تو را برای ارتش آمریکا می‌خواهم»^{۱۱} مربوط به جنگ جهانی دوم یا پوستر «کشورت به تو نیاز دارد»^{۱۲} از این جمله‌اند. پوسترهایی که نیروی دشمن را

در حالی که قصد حمله و نزدیک شدن به زنان و فرزندان را دارند نشان می‌دهند یا پوسترهایی برای تشویق زنان به صرفه‌جویی یا پیوستن به مشاغل خارج از منزل و کمک به ارتش که به نوعی، خدمت به میهن محسوب می‌شد و برای آن، جنبه‌ای مقدس در نظر گرفته بودند.

پوستر دختران پیروزی نیز در همین طبقه‌بندی جای می‌گیرد. این پوستر تبلیغاتی، در محیطی طراحی شد که زمینه برای ورود زنان به مشاغل صنعتی و مردانه فراهم می‌شد و سازمان‌ها و جنبش‌های حمایت‌کننده حقوق زنان در همین راستا شکل گرفتند (مانند سازمان YWCA^{۱۳} در آمریکا). اهداف سیاسی و جنگی ایجاب می‌کرد که زنان، پای



شکل ۴: دانکن گرنت، ناتوان، ۱۹۰۹، لیتوگرافی رنگی، ۵۰*۷۶، بخش پرینت‌ها و عکس‌های کتابخانه کنگره، واشنگتن دی سی.

(<https://collections.vam.ac.uk/item/O74621/daddy-what-did-you-do-poster-lumley-savile/>)



شکل ۳: ادوارد پن‌فیلد، بله قربان- من اینجا هستم، ۱۹۱۸، لیتوگرافی، ۶۷.۹*۹۷.۸.

(<http://www.artnet.com/artists/edward-penfield/yes-sir-i-am-here-PIRotWx3TBJEsQcnO9f7-Q2>)



شکل ۵: فلگ جیمز مونتهگومری، من تورا برای ارتش ایالات متحده می‌خواهم، ۱۹۴۱، لیتوگرافی، ۹۶.۵*۶۴.۵ (<https://www.iwm.org.uk/collections/item/object/9321>)

به عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و یا نظامی بگذارند و یا حداقل از نفوذ خود در خانه برای مجاب کردن مردان برای فرستادن به جنگ استفاده کنند.

چنانچه پیش‌تر اشاره شد، در خلال این جنگ و پیش از آن، کمپین‌های کار دختران شکل گرفتند (یا کمپین‌های کار جنگ). جنبش‌های فمینیستی، کمابیش، کار خویش را آغاز کرده بودند و برای مثال، می‌توان از جنبش کسب حق رأی نام برد. در ایالات متحده، این جنبش از سال ۱۸۲۰ آغاز به فعالیت کرد و در سال ۱۹۱۰، راهپیمایی‌هایی برگزار شد که در نهایت در سال ۱۹۲۰، زنان، حق رأی را به دست آوردند. فمینیسم، در فرانسه و هلند در ۱۸۷۲، در بریتانیا در دهه ۱۸۹۰ و در ایالات متحده در ۱۹۱۰ پدیدار شد.

عنوان این پوستر یعنی «دختران پیروزی»، بعدتر در جنگ جهانی دوم، معنای دیگری به خود گرفت و تغییر کرد. در جنگ جهانی اول، این عبارت در پوستر مذکور، دختری با انگیزه میهن‌پرستانه و سرسخت را همراهی می‌کرد. در جنگ جهانی دوم، دختر پیروزی، عموماً دختر یا نوجوانی بود که با ارائه همراهی و غالباً رابطه جنسی به جنگجویان جنگ جهانی دوم، وطن‌پرستی خود را نشان می‌داد. بسیاری از زنان جوان، به مناطق مختلف اردوگاه یا بندر سفر کرده و به دنبال برخوردهای صمیمی با مردان یونیفرم‌پوش بودند. به نظر می‌آمد وطن‌پرستی آنها گمراه‌کننده است و آنها را در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی نامناسب و خطرناک قرار می‌دهد. بسیاری از دختران پیروزی، در واقع، زنان جوان متأهل بودند که بعد از مدتی، این دخترهای به اصطلاح «خاکی-واکی»^{۱۴} تبدیل به مسأله بزهکاری جنسی شدند و نگرانی از این موضوع که انتقال‌دهنده بیماری‌های جنسی به سربازان باشند، شدت گرفت. همانند سایر گروه‌های آمریکایی در آن زمان، مثل آفریقایی-آمریکایی‌ها و همجنس‌گرایان، دختران پیروزی، احتمالاً می‌خواستند حصار آزادی اجتماعی را با رد کردن خانواده و جامعه بر مبنای اندیشه‌های اخلاق جنسی، به نفع مزایای زمان جنگ و استقلال تصمیم‌گیری بشکنند و طعم این استقلال را بچشند.

۱. George du Forest Brush (1941-1855) .۹
۲. Harper's Magazine، مجله‌ای است که در ژوئن ۱۸۵۰ در نیویورک، توسط هارپر و برادران (که انتشارات هارپر کالینز را نیز بنیاد نهادند)، تأسیس شد. این مجله، هر ماه در موضوعات ادبیات، سیاست، فرهنگی و هنری به چاپ می‌رسد.
۳. Art Nouveau (1890-1910) یک جریان بین‌المللی در هنرهای کاربردی، معماری و به ویژه هنرهای تزئینی که از فرم‌ها و ساختارهای طبیعی به ویژه خطوط منحنی و موج گل و گیاهان متأثر بود.
۴. Jules Cheret (1836--1932)، نقاش و طراح پوستر فرانسوی که در چاپ سنگی مهارت داشت.
۵. Henri Marie Raymond de Toulouse Lautrec-Monfa (1864-1901)، نقاش و گرافیست فرانسوی و از جمله پیشروان سبک پست امپرسیونیسم.
۶. William Henry Bradley (1868-1962)، هنرمند و تصویرگر آمریکایی سبک آرنوو که از طرف نشریه عصر روز یکشنبه، به عنوان «رئیس طراحان آمریکایی» ملقب شد. او گران‌ترین هنرمند اوایل قرن بیستم بود.
۷. Handicapped!/G.
۸. Duncan Grant (1978-1885) ، نقاش، طراح پارچه و سفال و طراح صحنه اهل اسکاتلند و از اعضای گروه بلومزبری بود.
۹. Propaganda، به معنی راه ارتباطی که توسط آن می‌توان مخاطب را تحت تأثیر قرار داد که ممکن است واقعیات را عرضه ندارد یا به طور گزینشی، به ادراک خاصی تشویق کند یا از طریق زبان، واکنش احساسی را به جای واکنش عقلانی برانگیزاند. پروپاگاندا معمولاً با مطالبی تهیه شده توسط دولتمردها همراه است. اما گروه‌های فعال، شرکت‌ها، سازمان‌های مذهبی، رسانه‌ها و افراد نیز می‌توانند تبلیغات ایجاد کنند.
۱۰. Daddy, What Did You Do In The Great War?
۱۱. I Want You For The U.S Army
۱۲. Your Country Needs You
۱۳. YWCA (Young Women's Christian Association)، سازمانی غیرانتفاعی است که به از بین بردن نژادپرستی، توانمندسازی زنان و ارتقاء صلح، عدالت، آزادی و عزت برای همه اختصاص داده شده است. این یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان‌های چند فرهنگی است که راه‌حلی را برای بهبود زندگی زنان، دختران و خانواده‌ها ترویج می‌کند. این سازمان، در سال ۱۸۵۸، در نیویورک سی‌تی تأسیس شد.
۱۴. Khaki-Wackies

- آینسلی، جرمی. (۱۳۸۹)، یک قرن طراحی گرافیک، ترجمهٔ آزاده اعتصام و محبوبه توتونچی، تهران: انتشارات یساولی.
- جنسن، چارلز. (۱۳۹۳)، تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی، ترجمهٔ بتی آواکیان، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۸۸)، شناخت هنر گرافیک، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مارلیک.
- رامین، علی. (۱۳۹۸)، مبانی جامعه‌شناسی هنر، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- ویلکزاک، سوزان‌ای. (۱۹۹۶)، «پوسترهای ادوارد پنفلد برای مجلهٔ هارپر ماهانه جدید: بازتابی از جامعهٔ آمریکا در دههٔ ۱۸۹۰»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه ایالت میشیگان.
- هلر، استیون و چاوست، سیمور. (۱۳۸۹)، سبک‌های گرافیک، چاپ ششم، تهران: انتشارات مارلیک.
- [/https://edwardpenfeld.com/biography](https://edwardpenfeld.com/biography)
- <https://www.encyclopedia.com/children/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/victory-girls>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی